

نقش رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در بیداری اسلامی، مطالعه موردی انقلاب تونس

جلال غفاری^۱

محمدصادق دهقانی محمدآبادی^{۲*}

محمدرضا نجارزاده^۳

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی، تهران، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود جهت نیل به وضع مطلوب) و بر بنیاد اسلام خواهی (مبتنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) با هدف استقرار نوعی نظام سیاسی است که برآمده از مبانی و مبادی معرفتی- هویتی اصیل دینی باشد.

امروزه رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان آلترناتیو قدرتمند برای سایر رسانه‌ها در رابطه سه‌گانه مخاطب، رسانه و جامعه مطرح کرده‌اند. انقلاب «گل یاس» تونس به عنوان باثبات‌ترین کشور شمال آفریقا و نیز مادر انقلاب‌های منطقه توجه ویژه پژوهشگران را به خود مشغول داشته است. به همین دلیل محققان مورد انقلاب تونس را برای انجام پژوهش انتخاب کرده‌اند.

در این راستا ابتدا مفهوم «بیداری اسلامی»، «نظریه وابستگی» و نیز «جایگاه رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی» به عنوان چارچوب نظری تحقیق پرداخته می‌شود. و نهایتاً نشان داده می‌شود چگونه جوان معترض تونسی و همقطاران‌اش توانستند مکتب خودسوزی فیس‌بوکی را تاسیس کنند و انقلاب تونس را به عنوان مادر انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه به ثمر بنشانند؛ انقلاب‌هایی که بعدها با نام‌های «ویکی انقلاب»، «انقلاب فیس‌بوکی» و «انقلاب توئیتری» نامیده شدند.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، انقلاب گل یاس تونس، رسانه‌های مجازی، شبکه‌های اجتماعی.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا چندی است شاهد خیزش‌های فراگیر مردمی و اعتراضات گسترده‌ای بوده است که تاکنون در این کشورها نظیر نداشته است. این جنبش‌های مردمی که در ابتدا با خود سوزی یک جوان تونس آغاز شده بود و سبب ساز انقلاب‌های دیگری در منطقه گشته، در قالب بیداری اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

در مورد وقایع و تحولات اخیر که خاورمیانه تا منطقه شمال آفریقا را در بر گرفته است گمانه‌ها و تحلیل‌های متفاوتی ارائه گردیده و سوالات و ابهامات زیادی در مورد آن مطرح گردیده است. برخی از این سوالات به ماهیت و چیستی این رخدادها و برخی دیگر به چرایی و چگونگی آن برمی‌گردد. برخی از ناظران منشا و ریشه این تحولات و قیام‌ها را مشکلات ساختاری منطقه می‌دانند، برخی هویت دینی و اسلامی مردم منطقه و از دست رفتن عزت و عظمت آن می‌دانند و افرادی دیگر نظریه‌ها و تئوری‌های رایج شکل‌گیری انقلاب‌ها را از قبیل تراکم اعتراضات، فضای بسته سیاسی، استبداد و اختناق، وابستگی و دخالت بیگانگان، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و از دست رفتن مشروعیت نظام‌ها و مانند اینها در نظر می‌گذارند. به نظر می‌رسد بهترین تحلیل در نظر گرفتن براین مجموعه این عوامل با صبغه برگشت به سنتها، ارزش‌ها و هویت اسلامی باشد. و این همان چیزی است که از آن به عنوان «بیداری اسلامی» یاد می‌شود. ریشه‌های بیداری اسلامی را باید در مولفه‌های هویت دینی مردم این کشورها و نیز تفکرات مصلحان اجتماعی خصوصاً امام خمینی قدس دانست.

در این میان یکی از مسائل مهم بررسی نقش رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری این انقلاب‌ها و گسترش بیداری اسلامی است. اهمیت وقوع انقلاب در تونس نکته مهم دیگری است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در پیش گرفتن برنامه توسعه اقتصادی مورد حمایت نهادهای بین‌المللی و نیز کشورهای غربی در دوران زمامداری بن‌علی باعث شکوفایی اقتصادی برای تونس شده بود. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، رونق بخش صنعتی بویژه گردشگری، گسترش سطح تحصیلات بویژه تحصیلات دانشگاهی و در مجموع افزایش نرخ رشد اقتصادی و درآمد سرانه در تونس حکایت از وجود کشوری با ثبات و دارای چشم‌انداز روشن در میان کشورهای عربی و آفریقایی می‌داد. طبق آمارهای رسمی جهانی، تونس از نظر قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی در رتبه سی و دوم جهان قرار دارد. این کشور همچنین هشتاد درصد از تولیدات صنعتی‌اش را به خارج صادر می‌کرد. تونس همچنین توانسته بود موافقتنامه تجارت آزاد با

اتحادیه اروپا را به امضا برساند. در خلال حکومت بن علی اکثر شاخص‌های اقتصادی این کشور آفریقایی رشد قابل ملاحظه‌های یافت، بطوری که در ۲۴ سال زمامداری بن علی، تولید ناخالص داخلی تونس به حدود ۴ برابر دوران قبل از وی رسید. نرخ بیکاری در این کشور از حدود ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید همچنین جمعیت زیر خط فقر از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۴ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید که نشان‌دهنده موفقیت بیش از حد انتظار دولت او برای کاهش فقر است. (<http://www.rastak.com/> article?id=7513) به هر روی وقوع انقلاب در این کشور بسیار بعید می‌نمود.

به صورت خلاصه باید گفت انقلاب تونس را که منجر به سقوط حکومت ۲۳ ساله زین‌العابدین بن علی شد از دو جهت باید نسبت به سایر انقلاب‌های متمایز دانست؛ اول اینکه وقوع انقلاب در کشوری چون تونس که داری رشد اقتصادی پرشتاب مثبت بود و باثبات‌ترین کشور منطقه شمال آفریقا و دارای چشم اندازی روشن به شمار میرفت بسیار دور از ذهن به شمار میرفت و دوم اینکه نسبت به سایر انقلاب‌ها تقدم زمانی دارد و مادر انقلاب‌های منطقه به شمار می‌رود. مقاله حاضر به بررسی نقش رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس می‌پردازد.

در این راستا ابتدا مفهوم «بیداری اسلامی»، «نظریه وابستگی» و نیز «جایگاه رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی» به عنوان چارچوب نظری تحقیق پرداخته می‌شود. و نهایتاً نشان خواهیم داد چگونه جوان معترض تونس به نام بوعزیزی و هم قطارانش توانستند مکتب خودسوزی فیس‌بوکی را تاسیس کنند و انقلاب تونس را به عنوان مادر انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه به ثمر بنشانند؛ انقلاب‌هایی که بعدها با نام‌های «ویکی انقلاب»، «انقلاب فیس‌بوکی» و «انقلاب توئیتری» نامیده شدند.

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است که از منظر تاریخی می‌توان قدمت آن را در دوران پس از رحلت پیامبر(ص) جستجو کرد. بیداری اسلامی از آن جهت حائز اهمیت است که با انگیزه اسلامی و برای پیاده کردن اهداف اسلام و ایجاد نوآوری در اسلام، کنترل و احاطه بر واقعیت‌ها و توجیه و اداره درست آنها و در نهایت تاسیس حکومت اسلامی به وجود آمده‌اند. (عارفی، ۱۳۸۰: ۳۵)

بیداری (بِقظه)، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و بیداری اسلامی به مفهوم زنده‌شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است؛ به بیان دیگر در

معنای تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های خداوند، بار دیگر زنده شده و حیاتی دوباره می‌یابد. (شیرودی، ۱۳۹۰: ۵) در تعریف دیگر می‌توان بیداری اسلامی را توجه و خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی دانست. میل بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، اکتفا نکردن به دین به عنوان یک مسلک اخلاقی صرف و ورود دین به عرصه سیاست و اداره جامعه و در یک کلام، حاکم کردن اسلام بر همه شئون زندگی است. (یزدان پناه، ۱۳۹۰: ۱۹)

بیداری اسلامی، با شناخت واقعیت‌های موجود در جوامع اسلامی و عقب افتادگی‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان از یک سو و مقایسه پیشرفت‌های مادی جهان غرب، با گذشته پرافتخار و سراسر شکوه و عظمت دنیای اسلام و میراث علمی و غنی آن در عرصه‌های مختلف علوم و معارف بشری، از سوی دیگر از چند قرن قبل آغاز گردیده و تا به امروز سیر تکاملی خود را طی کرده است. و اکنون نیز در صدد آن است که هدایت قافله فکری بشری را به دست دانشمندان مؤمن و متعهد مسلمان سپرده و گریبان امت اسلام را از دست‌اندازی‌های چپاول‌گرایان غرب آزاد سازد و بساط ظلم و بی‌عدالتی‌های دیکته شده توسط مستکبران را برای همیشه از ممالک اسلامی برچیند و همچنین حکام مستبد و فرومایه را از کرسی‌های قدرت و شوکت پوشالی شان پایین آورد. پس بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود جهت نیل به وضع مطلوب) و بر بنیاد اسلام خواهی (مبتنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) با هدف استقرار نوعی نظام سیاسی است که برآمده از مبانی و مبادی معرفتی - هویتی اصیل دینی باشد. آنچه در خصوص بیداری اسلامی نباید نادیده انگاشته شود، نقش بی‌بدیل «مولفه‌ها و منابع فکری» است که به برتری معارف دینی در قیاس با تأثیرات صرفاً اقتصادی، سیاسی و یا... اشاره دارد. از این منظر بیداری اسلامی وجهی فراملی (و در واقع جهانی) دارد که آن را پدیده‌ای جهان‌گرایانه معرفی می‌کند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۹)

بیداری اسلامی نوعی همپوشانی یا ارتباط مفهومی با مقوله‌هایی مانند اصلاح دینی، احیای اسلامی، اسلام‌گرایی و... دارد و در زبان عربی با تعابیر گوناگونی مانند الصحوة الاسلامیه، البعث الاسلامی، التیار الاسلامی، الحرکه الاسلامیه، الیقظه الاسلامیه از آن یاد شده است. (بهرامی و کاظمی، ۱۳۹۱: ۸)

علیرغم اهمیت بیداری اسلامی و اصلاحگری دینی برای اندیشمندان و متفکران علوم

اجتماعی، به اعتبار نوظهور بودن آن هنوز تعریف جامع و مانعی برای آن وجود ندارد. برخی متفکران بیداری اسلامی را زنده نگه داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی عنوان کرده‌اند و برخی مهبجوریت زدایی از دین و واخوانی گزاره‌های اسلامی را مورد توجه قرار داده‌اند. فهم درست بیداری اسلامی نیازمند آگاهی مناسب از آموزه‌های اسلامی و درکی درونی از جامعه مسلمانان و انبوهی از پیوندها و عوامل است. در رویکردی جامعه شناختی، بیداری اسلامی را می‌توان نوعی باور تعمیم یافته دانست که تقریباً در همه جوامع و گروه‌های مسلمان یافت می‌شود. یک جنبش اجتماعی از منابع و سرچشمه‌های مختلفی نشأت می‌گیرد و شکل‌گیری یک جنبش و به دنبال آن تغییرات اجتماعی، رهین بسیج این منابع و پیوند سامان یافته آنهاست. این منابع شامل پدیده‌هایی نظیر ساختار سازمانی، رهبری شبکه‌ها و ابزارهای ارتباطی، سرمایه مادی و اقتصادی، اهرم‌های فشار و عقاید و باورهای مردم است. (نقیب السادات، ۱۳۹۰) آن دسته از باورهای مردم، باورهایی تعمیم یافته هستند که تقریباً همگان به آن معتقدند و موجد پاره‌ای رفتارهای مشخص و یکسان نزد همه است. بیداری اسلامی از این سنخ باورها است، به عبارت بهتر بیداری اسلامی موجد حرکت‌های اسلامی در سطوح مختلف است و در خرد، دانش، عاطفه، دل و اراده و عمل تک تک مسلمانان بروز و ظهور یافته است. بیداری اسلامی فراتر از یک مذهب، ملت، قوم، نژاد و سرزمین در همه جا به چشم می‌خورد. (همان) و (شیرودی، ۱۳۸۴: ۲۱۴)

با این نگاه به خوبی مشخص است که نمی‌توان بیداری اسلامی را محصور در یک مذهب، کشور و قوم دانست؛ بلکه باید امواج بیداری اسلامی را در سرتاسر جهان کاوید و منتظر به بارنشستن آن و به عبارت بهتر به رفتار تبدیل شدن این باورهای مشترک و تعمیم یافته بود بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین ارتباطی در شکل‌گیری این انقلاب‌ها می‌تواند زمینه ساز استفاده بهتر از این فرصت و عاملی در گسترش بیداری اسلامی به شمار آید.

نظریه وابستگی اطلاعاتی رسانه‌ای مخاطبان

(media information audience dependency theory)

این نظریه رابطه بین طبیعت اجتماعات نوین و محتوای برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و رفتارهای مخاطبان را بیان می‌کند. (ملوین دیفلور و اورت دنیس، ۱۳۸۳: ۷۲۸) اساس نظریه مذکور، آن است که رسانه‌های جمعی آن قدر برای جامعه ضروری و حیاتی

هستند که ما برای انجام برخی از کارکردهای اجتماعی خویش به آنها وابسته می‌شویم. این نظریه، ریشه در نظریات کارکردگرایی دارد، نظریاتی که بیان می‌کنند، مخاطبان برای اطلاعات درباره محیط‌شان، برای انتقال ارزش‌های فرهنگی، برای سرگرمی و تفریح و نیز برای تفسیر این موضوعات اجتماعی اساسی خود، به رسانه‌ها وابسته هستند و در واقع این کارکردها، نقش‌های رسانه‌ها را در جوامع جدید شکل می‌دهند.

این نظریه حاکی از آن است که افراد وابستگی‌های متفاوتی به رسانه‌ها دارند و این وابستگی‌ها از شخصی به شخص دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌کند. آنها استدلال می‌کنند که، به طور خاص در جامعه جدید شهری صنعتی، مخاطبان وابستگی زیادی به اطلاعات رسانه‌های جمعی دارند. در جامعه توسعه‌یافته جدید، بسیاری از اعمال زندگی و تجارت مستلزم اطلاعات تازه و قابل اعتماد است. این نظریه بر رابطه سه‌گانه رسانه‌ها، مخاطبان و جامعه تاکید دارد. در رابطه با هر یک از این سه واحد (عنصر)، عواملی در افزایش یا کاهش میزان وابستگی مردم به رسانه‌ها دخالت می‌کند. در ادامه به بررسی این سه عامل می‌پردازیم:

نخستین عامل رسانه است؛ نظام‌های رسانه‌ای از نظر تعداد و محوریت ارایه کارکردهای اطلاعاتی تفاوت دارند. هر چه رسانه‌ها در یک جامعه این کارکردها را بیشتر ارایه کنند، وابستگی به رسانه‌ها در آن جامعه بیشتر می‌شود. همچنین هر چقدر اهمیت یا نقش محوری برخی از این کارکردها در روان کار کردن جامعه بیشتر باشد، وابستگی به رسانه‌ها بیشتر خواهد بود. (سورین وتانکار، ۱۳۸۳: ۴۱۲-۴۱۴) به دیگر سخن مخاطب به رسانه‌ای که به سبب ارائه کارکردهای متنوع تعداد بیشتری از نیازهای اطلاعاتی او را پاسخ می‌گوید، وابسته می‌شود. در این حالت، مطابق نظر استفان لیتل جان، شدت تاثیرگذاری رسانه به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری افزایش می‌یابد. در این صورت، از نظر شناختی، رسانه قدرت شکل دهی، تغییر نگرش‌ها و برجسته سازی بیشتری دارد زیرا مخاطب برای کسب اطلاعات در زمان تصمیم گیری به رسانه وابسته می‌شود. (ملوین دیفلور و اورت دنیس، ۱۳۸۳: ۶۱۹)

دومین عامل، جامعه است. یک عنصر مهم در جامعه میزان بی‌نظمی، تضاد و تغییرات در هر جامعه عنصر مهم میزان بی‌نظمی، تضاد و تغییرات است. به هنگام بروز تحولات و یا بحران‌های اجتماعی - به عنوان مثال در زمان انتخابات که طی آن رسوم، باورها و اعمال افراد جامعه به چالش کشیده می‌شود، افراد برای رفع تعارضات احتمالی ناچار می‌شوند باورها و رفتارهای خود را مورد ارزیابی قرار دهند و تصمیمات جدیدی را اتخاذ کنند. در چنین شرایطی، اعتماد افراد جامعه به رسانه برای کسب اطلاعات افزایش

می‌یابد. (ملوین دیفلور و اورت دنیس، ۱۳۸۳: ۶۱۹) به عبارت بهتر هنگامی که تغییر زیادی در جامعه وجود داشته باشد، عدم اطمینان در همه مردم نیز افزایش خواهد یافت. در چنین زمان‌های وابستگی مردم به اطلاعات رسانه زیاد است. (سورین وتانکارد، ۱۳۸۳: ۴۱۲-۴۱۴)

. سومین عامل مخاطب است؛ مخاطبان به عنوان سومین عامل درجه وابستگی اطلاعاتی متفاوتی به رسانه‌ها دارند؛ آنها با توجه به شرایط اجتماعی و نیز نیازهای اطلاعاتی‌شان درجه وابستگی متفاوتی به اطلاعات رسانه‌ها دارند. (سورین وتانکارد، ۱۳۸۳: ۴۱۲-۴۱۴) به عبارت دیگر افراد و به تبع آنها بعداً گروه‌ها و دسته‌ها فضای حیاتی (اصطلاحی که کرت لوین به کار می‌برد) کمابیش معینی دارند و به چیزهایی توجه می‌کنند که درون فضای حیاتی آنها است. (دنیس مک‌کوایل، ۱۳۸۲: ۳۴۲)

بعدها، در سال ۱۹۸۹، این دو نظریه پرداز سه مورد را به عنوان عوامل وابستگی رسانه‌ای مخاطبان اعلام کردند:

نیازهای اطلاعاتی

- ویژگی‌های فردی (ارزش‌ها و...)
- مراحل توسعه در مخاطبان (سن مخاطب و...) (ملوین دیفلور و اورت دنیس، ۱۳۸۳: ۶۱۹)
- نظریه وابستگی مخاطبان را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
 - این نظریه تأکید زیادی بر رسانه‌ها و کارکردهای آنها دارد.
 - هر چه رسانه‌ها بیشتر بتوانند نیازهای مخاطبان را برآورده سازند، میزان وابستگی افراد به آنها بیشتر می‌شود.
 - در این نظریه نیز، همانند نظریه نظام‌ها، ارتباط به گونه‌ای نظام‌مند نگریده می‌شود.
 - تأثیر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های جدید با پیشرفت روزافزون وسایل ارتباط جمعی در جهان و امکان دست‌یابی به تازه‌ترین خبرها و گزارش‌های نوشتاری و شنیداری و تصویری از دورترین مناطق جهان و استفاده بهینه از رسانه‌ها و ابررسانه‌ها، این وسایل ارتباطی بستر ساز وقوع تحولات در داخل کشورها به موازات اثرگذاری آن در نظام بین‌الملل شده‌اند. در واقع تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی در جهان، ایده موسوم به دهکده جهانی را تحقق عینی بخشیده و مردم هم‌اینک در جهانی زندگی می‌کنند که از هر لحاظ تحت دیده تیزبین یکدیگر قرار دارند. پیشرفتی که انقلاب علمی و فن‌آوری‌های نوین دیجیتال به ویژه در گستره ارتباطات بدان دست یافته، مجال را برای پیدایش نیروها و

نهادها و شبکه‌های اجتماعی درون کشورها بوجود آورده است. این مساله سبب ایجاد جوامعی شده است که در آن، جریان پیوسته اطلاعات، انتشار سریع عقاید و افکار را تسهیل می‌کند. این پیشرفت‌ها سبب شده است جامعه مجازی بین‌المللی جنبه کاملاً شفاف و شیشه‌ای به خود گرفته که هیچ مساله‌ای از چشم افراد و گروه‌ها پنهان نمانده و به سرعت در اختیار همگان قرار گرفته و طبعاً می‌تواند مورد استفاده آن‌ها نیز قرار گیرد. (Cohen, ۱۹۹۶: ۳۹).

برقراری ارتباط از طریق اینترنت و فضای مجازی برای جنبش‌های جدید سیاسی - اجتماعی ایده‌آل است: این روش غیر متمرکز بوده و قابلیت کنترل کمتری دارد و هویت افراد به راحتی فاش نمی‌شود. دسترسی آزاد را برای هر کس که خواهان آن باشد امکان‌پذیر می‌سازد. تسهیلات بسیار دیگری مانند پست الکترونیک، اتاق‌های گفتگوی اینترنتی، گروه‌های الکترونیک، محافل اینترنتی و تابلوهای اعلانات مجازی نیز از جمله این امکانات هستند. مردم از طریق این شبکه‌ها شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به اشتراک گذاشته، شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی مانند خانواده، گروه‌های همسالان و دوستان خود را در شبکه‌های مجازی بازتولید کرده و بر انسجام اجتماعی خود می‌افزایند. هرچند دولت‌ها اقدام به فیلتر نمودن این سایت‌ها بکنند ولی هاست‌ها و میزبانان این فضاهای مجازی به کشورهای دیگر منتقل می‌شود تا همه امکان دسترسی به این شبکه‌ها را داشته باشند. البته در این میان نمی‌توان نقش رسانه‌های سنتی نظیر شبکه‌های تلویزیونی را نیز نادیده گرفت (Doran, ۲۰۱۱: ۴۲).

بارزترین ویژگی فضای سایبر، دسترس‌پذیر ساختن سریع و با حداقل هزینه کلیه اطلاعات آن‌لاین است که بسیاری از نمونه‌های آن را در وب‌سایت‌های شبکه جهانی اینترنت شاهد هستیم. این دسترس‌پذیری برای همگان فراهم آمده و هیچ‌گونه تبعیضی اعمال نشده است. جالب‌تر اینکه، اگر صاحبان منابع اطلاعات، رأساً یا به واسطه دیگران، به ویژه متصدیان شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، با اجرای تمهیدات گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، سعی در تحدید این میزان دسترس‌پذیری داشته باشند، توفیق چندانی نمی‌یابند. زیرا این فضا به همان راحتی انواع ابزارهای خنثی‌کننده را در اختیار همگان قرار داده است. به عبارت دیگر، تقریباً چیزی به نام تحدید دسترسی به اطلاعات در فضای سایبر معنا ندارد. (Sofaer, ۲۰۰۲: ۲۰۸۴).

این مساله به روشنی سبب می‌شود نقش فضای سایبر و شبکه‌های مختلف مجازی در روند جنبش‌های جدید از جمله انقلاب گل یاس تونس به خوبی نمایان شود. همانطور اشاره شد، فضای سایبر دنیای بی‌کرانی از امکانات و قابلیت‌های بی‌شمار است که بدون

محدودیت در دسترس همگان قرار دارد و هرکس با هر انگیزه و هدفی می‌تواند از این موهبت بهره‌برداری کند. بی‌تردید جنبش‌های جدید هم خود را از این قاعده مستثنی نمی‌دانند. آنها همانند همه این حق را برای خود قائل می‌شوند که از امکانات بی‌شمار این فضا در راستای تحقق اهدافشان بهره‌برداری کنند.

مهمترین دلایلی که سبب کاربرد وسیع این شبکه‌ها، فضا و رسانه‌های مجازی در انقلاب‌ها و جنبش‌های جدید می‌شود به شرح زیر است:

۱. بدون مرز بودن فضای سایبر: ماهیت فرامرزی فضای سایبر، آن هم به گونه‌ای که هیچ یک از موانع و مرزهای موجود در دنیای فیزیکی در آن ملاحظه نگردد، یک ویژگی اساسی محسوب می‌شود و مزایای بی‌شماری از آن نشأت می‌گیرد.

۲. کاهش هزینه اقدامات: فضای مجازی هزینه اقدامات را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. لذا ماهیت فرامرزی فضای سایبر فرصت بسیار مغتنمی برای جنبش‌های جدید است که با وجود دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، امکان به دام افتادن افراد و کنترل جنبش‌ها به حداقل ممکن می‌رسد. جنبش‌ها به راحتی می‌توانند از هر گوشه جهان اهداف خود را در فضای مجازی تعقیب نمایند، بی‌آنکه شناسایی شوند، حتی در صورت شناسایی نیز، مشکلات اجرایی بسیاری جهت دستگیری و مجازات آنها وجود دارد.

۳. تأمین راحت امکانات و عوامل مورد نیاز برای اقدام: فضای سایبر و رسانه‌های مجازی تمامی ابزارهای مورد نیاز برای انواع اقدامات جنبش‌ها را در فضای سایبری به صورت روزآمد در اختیار همگان قرار داده و البته نحوه به‌کارگیری آنها تا حدی ساده شده که با کمترین مهارت و تجربه می‌توان از آنها استفاده کرد. (Denning, ۱۹۹۹: ۲۳۹)

۴. انعکاس جهانی اقدامات جنبش: شاید فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی تنها ابزاری باشد که جهانیان همگی به صورت مشترک از آن استفاده می‌کنند. لذا هرگونه اختلال در آن به خوبی انعکاس جهانی دارد و به راحتی اعتبار یک کشور یا مجموعه خاصی در فضای سایبر لکه‌دار می‌شود. به همین دلیل، از آنجا که جنبش‌ها به دنبال انعکاس جهانی اقداماتشان هستند، این فضا می‌تواند بهترین گزینه باشد.

۵. امکان هماهنگی لحظه‌ای با ضریب اطمینان بالا: یکی از ابزارهای مورد نیاز و حیاتی جنبش‌ها، وسایل ارتباطی پیشرفته است تا بتوانند در کمترین زمان و مشکل از وضعیت یکدیگر آگاه شوند. رسانه‌های مجازی این امکان را برای آنها فراهم آورده

و آنها می‌توانند با بهره‌گیری از انواع ابزارهای ارتباطات الکترونیکی، مانند پست الکترونیکی، محیط‌های گپ (Chat) و... به شکل مکتوب، صوتی و ویدیویی و به صورت زنده با یکدیگر ارتباط داشته باشند. (Hancock, ۲۰۰۱: ۵۵۵)

۶. امکان جذب حامیان از سراسر جهان: جلب حمایت جامعه مخاطبین موردنظر و حتی عضوگیری از میان آنها، از جمله مسایل لازم در جنبش‌های اجتماعی-سیاسی جدید است. حال با توجه به اینکه فضای مجازی امکانات رسانه‌ای بسیار گسترده‌تر با تأثیرگذاری بسیار بیشتر را با هزینه بسیار ناچیز نسبت به امکانات رسانه‌ای دنیای فیزیکی در اختیار همگان قرار داده است، جنبش‌ها نیز با بهره‌گیری از آنها و ساخت انواع برنامه‌های تبلیغاتی چندرسانه‌ای به جلب حامی و جذب نیرو می‌پردازند.

مجموع ویژگی‌های ذکر شده مخاطبان را به استفاده از رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی سوق می‌دهد، خصوصاً در مواقعی که سایر رسانه‌ها نقش خود را در تامین نیازهای اطلاعاتی افراد جامعه به درستی ایفا نمی‌کنند.

تأثیر رسانه‌های مجازی بر شکل‌گیری انقلاب تونس

محمد بوعزیزی، قهرمان انقلاب تونس، جوان ۲۶ سال‌های است که به تازگی از دانشگاه با مدرک لیسانس فارغ‌التحصیل شده بود. او در یکی از شهرهای درجه دوی کشور تونس زندگی می‌کرد. بوعزیزی به امید رسیدن به شغلی خوب درسش را تا آخر خوانده بود. ولی با وجود به پایان رساندن دوره دانشگاه نه تنها شغلی نیافت، بلکه مجبور شد با دست و پا کردن یک دستگاه گاری در شهرش به سبزی‌فروشی مشغول شد.

بوعزیزی کارشناسی داشت و عضو فیس‌بوک هم بود، چند صباحی را با همین گاری سپری کرد تا اینکه ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ مأموران شهرداری آن گاری را ضبط کردند. بوعزیزی که تنها سرمایه‌اش را از دست داده بود، به شهرداری رفت و سروصدا راه انداخت؛ اما مسئولان شهرداری نه تنها گاریش را پس ندادند بلکه یکی از مأموران خانم این اداره یک سیلی نیز به گوش وی نواخت. او چه از پیش برنامه‌ریزی شده و چه بر اثر خشمی که از تحقیر مأموران برانگیخته شده بود، به سیم آخر زد و وسط خیابان خودش را آتش زد و مکتب خودسوزی فیس‌بوکی را تأسیس کرد.

براساس روایتی، او پیش از خودسوزی پیامی برای مادرش روی فیس‌بوک گذاشت که بدین شرح است: «مادر من دارم می‌روم مسافرت، سرزنش فایده

ندارد، در راه گم شده‌ام، اگر سخن تو را گوش ندادم، مرا بیخوش، زمانه را ملامت کن و مرا نه. رفتن من بی بازگشت است. گریه نکردم و از چشمانم اشکی التماس نکردم. سرزنش زمانه نیز فایده‌ای ندارد... من می‌روم و امید است که فراموش شوم...» (حائری، ۱۳۹۰)

البته روایت برادر بوعزیزی از ماجرا به گونه‌ای است که احتمال برنامه‌ریزی از قبل برای خودسوزی را کم می‌کند. در این صورت حتی اگر بوعزیزی نیز پیام بالا را بر روی فیس‌بوک نوشته باشد، به نظریه خودسوزی فیس‌بوکی خدشه‌ای وارد نمی‌شود بلکه این نظریه تقویت می‌گردد؛ زیرا او در این صورت به راستی ساخته و پرداخته شبکه اجتماعی مجازی خواهد بود؛ قهرمانی مجازی که از دل شبکه بیرون آمده اما سرانجام تأثیر خود را در جهان عینی گذاشته است. این نه پایان کار قهرمان ملی تونس بلکه آغاز کارش بود. خودسوزی وقتی در کنار این پیام قرار گرفت، دیگر فیس‌بوکی‌های ساحل جنوبی مدیترانه را از این رو به آن رو کرد. (دویچه وله فارسی)

از همان روزها بود که گروهی از جوانان تونسی با راه انداختن یک صفحه فیس‌بوک و تبدیل آن به منبع اصلی اخبار، اعتراض‌ها و تظاهرات مردم - که پس از خودسوزی بوعزیزی به جوش آمده بودند- به سرنگونی دیکتاتوری این کشور کمک کردند. پس از سقوط بن علی یعنی حدود یک ماه پس از خودسوزی بوعزیزی یکی از سازمان‌دهندگان اصلی این صفحه گفت که در روز هیجده ساعت از وقت خود را برای اداره کردن این صفحه و گرفتن اخبار، عکس‌ها و فیلم‌های ویدیویی اعتراض‌های مردم تونس و انتشار آنها در فیس‌بوک اختصاص می‌داده است. (Yas-mine Ryan, ۲۰۱۱)

روشی که بوعزیزی برای اعتراض راه انداخته بود ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. فردای سقوط بن علی چهار نفر در الجزایر، کشور ساحلی دیگری در جنوب مدیترانه، به تقلید از روش بوعزیزی خودسوزی کردند. در مصر نیز یک نفر در مقابل مجلس الشعب خود را سوزاند. دو تن دیگر نیز در جاهای دیگر مصر خود را آتش زدند. در این بین در موریتانی نیز خودسوزی‌ای از این دست رخ داد.

در میان این خودسوزان نیز کسانی بودند که در فیس‌بوک فعالانه عمل می‌کردند؛ مثلاً محمد فاروق یا محمد الصفاوی، که دومین خودسوز مصر به شمار می‌آید، و کیلی بود که به دلیل طلاق همسرش، حق دیدن دخترش را نداشت. وی بر روی

فیس بوک فعالانه به دنبال تغییر قانون بود تا بتواند دخترش را ببیند. مصری دیگر نیز جوانی ۲۵ ساله بود که به‌رغم رسیدن به سن ازدواج و اشتغال هیچ کاری نمی‌توانست انجام دهد. (همان) جدول شماره ۱ بعضی از کسانی که به تقلید از بوعزیزی خودکشی کردند نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: کسانی که به تقلید از بوعزیزی خودکشی کردند. منبع: ویکیپدیا

رویدادهای مشابه

#	نام	محل اقامت	تاریخ خودکشی	تاریخ مرگ	منبع
۱	محمد بن یوسف	بوخمیره	۱۲ ژانویه ۲۰۱۱	۱۶ ژانویه ۲۰۱۱	[۲۲۰]
۲	عوشیه محمد	برج منابل	۱۵ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۱]
۳	یونگر بوند	کبخل	۱۵ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۲]
۴	مهاجر لطفی	الواد	۱۶ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۳]
۵	سنوسی توات	مستغانه	۱۶ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۴]
۶	منوب ولد دحدود	تنگه	۱۷ ژانویه ۲۰۱۱	۲۲ ژانویه ۲۰۱۱	[۲۲۵]
۷	عبدالمعز حماده	آطوره	۱۷ ژانویه ۲۰۱۱	—	—
۸	محمد فاروق حسن	ظاهره	۱۸ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۶]
۹	احمد شاسم المسند	اسکندریه	۱۸ ژانویه ۲۰۱۱	۱۸ ژانویه ۲۰۱۱	[۲۲۷][۲۲۸]
۱۰	محمد عاشور سرور	فاشره	۱۸ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۲۹]
۱۱	ماشعص	حجاز	۲۰ ژانویه ۲۰۱۱	۲۱ ژانویه ۲۰۱۱	—
۱۲	ماشعص	دمار	۲۴ ژانویه ۲۰۱۱	—	[۲۳۰]
۱۳	حسنی علی عمه	الحمکه	۲۶ ژانویه ۲۰۱۱	۲۶ ژانویه ۲۰۱۱	[۲۳۱][۲۳۲]

به هر روی اقدام بوعزیزی در راه‌اندازی خودسوزی فیس بوکی، تقلید همقطارنش در تونس و دیگر کشورها و نهایتاً استفاده سازمان‌یافته از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی را باید عوامل اصلی همه‌گیر شدن و سرایت انقلاب تونس از شهر سیدی بوزید به سایر شهرهای تونس و نهایتاً سرنگونی حکومت بن‌علی به شمار می‌رود.

اهمیت رسانه‌هایی خبری و بخصوص شبکه‌های اجتماعی چون توئیتر و فیس‌بوک در شعله ور ساختن آتش خشم مردم باعث شده است که از این انقلاب‌ها به انقلاب توئیتری و برخی نیز «ویکی انقلاب» (WikiRevolution) نام ببرند. نکته ی دیگری که توجه خاصی را به خود جلب می‌کند، انتخاب نام «First Tweeter Revolution» (اولین انقلاب توئیتری) برای این حادثه از سوی مجله فارین پالیسی است. نامی که قبلاً با اندکی تفاوت در مورد حوادث پس از انتخابات ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت.

[http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/01/14/the_first_twitter_\(revolution](http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/01/14/the_first_twitter_(revolution)

رسانه‌های تونس، شبکه‌های اجتماعی و نظریه وابستگی

بعد از سرکوب قیام اسلام‌گرایان به رهبری الغنوشی در سال ۱۹۸۷ کوچک‌ترین رفتار اشخاص از دید دستگاه حکومتی پنهان نمی‌ماند. بر اساس آمارهای موجود، افرادی که به طور رسمی یا غیررسمی با وزارت کشور در ارتباط بودند و با حکومت همکاری می‌کردند، قریب به سه پنجم کشور را تشکیل می‌دادند. بدین صورت، هر کس در کشور قصد انجام فعالیت سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی را داشت و یا حتی برای گذران زندگی روزمره خود می‌بایست به حکومت خدمت می‌کردند. (حامدی و تسخیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷) این امر پس از اعلام سیاست خشکاندن سرچشمه‌ها بعد از انتخابات مجلس تونس در سال ۱۹۸۹ شدت بسیار بیشتری به خود گرفت.

اگرچه بن‌علی تلاش می‌کرد خود را هوادار آزادی‌های سیاسی و مدنی نشان دهد اما در عمل اجازه فعالیت آزادانه احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را نمی‌داد. فراهم نکردن بستر لازم برای نقد و اعتراض به عملکرد نهادهای حکومتی باعث شد که تمامی مطالبات در این جامعه بر روی هم انباشته شود و وقتی مجالی برای طرح آن پیدا شد، همه آنها یکجا با حکومت تسویه شود. (قناد باشی، ۱۳۸۹)

این عامل را می‌توان به عنوان عامل مشترک در بین همه کشورهای عربی دانست. بسیاری معتقدند همین بی‌توجهی بن‌علی به ایجاد اصلاحات سیاسی باعث شد که وی بر خلاف تصورش - که فکر می‌کرد مطالبات سیاسی مردم در زیر زرق و برق‌های توسعه اقتصادی نیم بند مدفون شده است و تونس در وضعیت باثباتی قرار دارد - ناگهان با سونامی اعتراضات مردمی علیه خود روبرو شود. سونامی‌ای که هیچ چیز حتی وعده تغییر و ایجاد رفاه و اشتغال عمومی نیز نتوانست آن را مهار کند.

به عبارت بهتر در دوران حاکمیت بورقیه و بن‌علی، رسانه‌های تونس از جمله رادیو و تلویزیون در سایه اختناق و سرکوب رژیم بن‌علی نمی‌توانستند وظایف اصلی‌شان را که ارائه کارکردهای متنوع و پاسخ به نیازهای اطلاعاتی مخاطبان بود انجام دهند. کارکردهایی همچون آگاهی‌بخشی به مخاطبان، برای انتقال ارزش‌های فرهنگی، برای سرگرمی و تفریح و نیز برای تفسیر موضوعات اجتماعی اساسی خود، که در واقع نقش‌های رسانه‌ها را در جوامع جدید شکل می‌دهند. (سورین و تانکار، ۱۳۸۳: ۲۰۶)

اختناق و ایجاد فضای رعب و وحشت پلیسی در تونس در مورد رسانه‌های سنتی نیز اجازه هیچ نوع تحرکی را به مردم و جوانان نمی‌داد؛ به گونه‌ای که در زمان بن‌علی بر اساس قانون در ب مساجد نیم ساعت قبل از اذان باز می‌شد و افراد نمازگزار در هر مسجد نیز باید اهل آن

محل باشند. چنانچه شخصی در مسجدی غیر از محله خود اقامه نماز کند، امام جماعت مسجد موظف بود او را اخراج کرده و گزارش دهد. (حامدی و تسخیری، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

پرواضح است این بدکارکرد رسانه‌های تونس‌ی رابطه سه‌گانه رسانه‌ها، مخاطبان و جامعه را دستخوش تغییر کرد و موجب کاهش وابستگی مردم به رسانه‌های تونس‌ی شد و مطابق نظر استفان لیتل جان، شدت تاثیرگذاری رسانه به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری کاهش یافت. نهایتاً بی‌اعتمادی مردم تونس به این رسانه‌ها موجب روی آوردن مردم تونس به رسانه‌های جایگزین خصوصاً رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی شد. (سورین و تانکار، ۱۳۸۳: ۴۱۲-۴۱۴) به گونه‌ای که بنا بر برخی آمارها در تونس از هر ۱۰ نفر، سه نفر شامل ۳۳ درصد از کل جمعیت آن عضو فیس بوک هستند.

این روند در ابتدای شکل‌گیری انقلاب این شرایط به صورت حادثی دنبال شد به طوری که دولت، خبرنگاران را از رفتن به شهر یا شهرهای محل اعتراض و تهیه گزارش، فیلم و عکس منع می‌کرد لذا آنچه از این شهرها بیرون می‌رفت صرفاً گفته‌های منابع غیررسمی و فیلم‌هایی غیرحرف‌های و از لحاظ فنی، نامناسب بود که به وسیله گوشی‌های موبایل ضبط شده و به سایت‌های اینترنتی از جمله یوتیوب و فیس‌بوک و البته سایت‌های خبری محلی و مخالف دولت تونس راه یافته بودند.

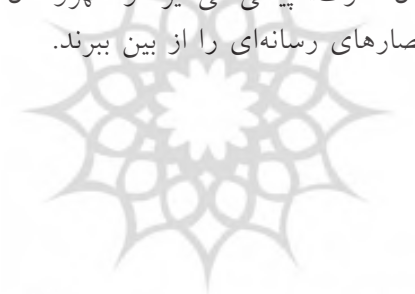
شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چنانکه ذکر شد کارکردهای متعددی برای جنبش‌های نوین اجتماعی دارد؛ از جمله لابی‌کردن از طریق فرستادن ایمیل به مقامات دولتی و نخبگان سیاسی؛ شبکه‌سازی با انجمن‌ها و سازمان‌های مرتبط در داخل و خارج؛ بسیج سازمان‌دهندگان، فعالان و اعضا با ارسال اخبار؛ جمع‌آوری منابع مالی؛ و ارسال پیام خود به مردم از طریق رسانه‌های خبری سنتی. در واقع، دسترسی جهانی و سرعت فوق‌العاده اینترنت، آن را به ابزار کارآمدی تبدیل کرده است. (Zelwietro، ۱۹۹۸) مردم تونس و در راس آنها بوعزیری از این رسانه‌های اینترنتی برای سازماندهی تظاهرات بهره می‌گرفتند. برای مثال، در فاصله ۱۸ تا ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰، حداقل افرادی که از فیس‌بوک بهره گرفتند در کم‌ترین روز بهره‌گیری از آن یک میلیون و ۸۲۰ هزار کاربر بوده است. (الورفلی، ۲۰۱۱) اگر این آمار را با جمعیت ۱۰ میلیونی تونس مقایسه کنیم، میزان تأثیرگذاری این رسانه روشن‌تر می‌شود. علاوه بر فیس‌بوک، توئیتر و شبکه‌ الجزیره در خبررسانی و سازماندهی اعتراضات نقش اساسی داشته‌اند.

مردم تونس که تا قبل از این و در سایه استبداد رژیم بن‌علی امکان تأمین کامل نیازهای اطلاعاتی خود را نداشتند توانستند با بهره‌گیری از این کارکردها انقلاب گل یاس خود را به بار بیاورند.

نتیجه گیری

رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی خود را به عنوان آلت‌رناتیو قدرتمند برای سایر رسانه‌ها در رابطه سه‌گانه مخاطب، رسانه و جامعه مطرح کرده‌اند؛ قدرتی که روز به روز در تزايد است. بررسی انقلاب تونس نشان می‌دهد یک جوان معترض مصری و همقطارانش - به عنوان قهرمان ملی تونس - توانستند با بهره‌گیری از شبکه فیس‌بوک در عرض کمتر از دو ماه طومار حکومت ۲۳ ساله بن‌علی را در هم بپیچند. و این آغاز راه انقلاب‌هایی بود که به نام‌های «ویکی انقلاب»، «انقلاب فیس‌بوکی» و «انقلاب توئیتری» نامیده شدند. قهرمانی که ساخته فیس‌بوک بود و توانست با راه‌اندازی مکتب خودسوزی فیس‌بوکی این حرکت را با استفاده از این شبکه‌های اجتماعی مجازی بازتولید کرده و انتشار دهد.

در پرتو رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی ارتباطات افقی شکل می‌گیرد و به گفته کاستلز میان بخش‌های گوناگون جامعه به شکل افقی پیوند ایجاد می‌شود. «قدرت جریان‌ها» بر «جریان قدرت» پیشی می‌گیرد و شهروندان می‌توانند با استفاده از شبکه‌های اجتماعی انحصارهای رسانه‌ای را از بین ببرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی در نظر و عمل*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- امیرشاهی، ذوالفقار. (۱۳۷۳)، *تونس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی*، تهران.
- بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۷)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۶، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- بهرامی، بهرام و کاظمی، محمود. (۱۳۹۱)، *بررسی مفهوم شناختی بیداری اسلامی و مولفه‌های آن*، مجموعه مقالات اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی، تهران.
- حامدی، منصف و تسخیری. (۱۳۸۹)، *تحولات کشور تونس و پیامدهای آن*، پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۵، پاییز و زمستان ۸۹، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه المصطفی قم.
- دیفلور، ملوین و دنیس، اورت. (۱۳۸۳)، *شناخت ارتباطات جمعی*، ترجمه سیروس مرادی زیر نظر و با مقدمه ناصر باهنر، انتشارات دانشکده صدا و سیما، تهران.
- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز. (۱۳۸۱)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- شهریور، رضا. (۱۳۷۸)، *شناخت تونس، نامه فرهنگ*، سال ۹، دوره ۳، ش ۴.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۴)، *بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن*، مجموعه مقالات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، تهران.
- طاهری عراقی، احمد و میرسلیم، مصطفی و پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۳)، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران.
- عارفی، محمد اکرم. (۱۳۸۰)، *جنبش اسلامی پاکستان و چالش‌های ساختاری-اقتصادی*، *فصلنامه خاورمیانه*، ش ۲۷.
- مک‌کوایل، دنیس. (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی*، ترجمه پرویز اجلالی، مرکز مطالعات و

تحقیقات رسانه‌ها، انتشارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- نقیب السادات، سیدرضا. (۱۳۹۰)، **انتخاب، مردم، اقتدار یابی**، انجمن فرهنگی ایرانیان، تهران.
- الورفلی، مجدلی. (۲۰۱۱)، **فی ظلل غیاب التعطیه الاعلامیه... فایسبوک و کاله أنباء بدلیه**، جریده ایلاف الایکترونیه، ۱۴ ینایر ۲۰۱۱.

- یزدان پناه، مهدی. (۱۳۹۰)، **مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی**، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران.
- انقلاب یاس در تونس، **نخستین انقلاب آنلاین؟**، سایت دویچه وله فارسی.
- حائری، یاسر. (۱۳۸۹)، **خودسوزی به سبک فیس بوک**، خبرگزاری زمانه:
<<http://www.zamane.info/1390/01/>>

- سید افقهی، سیدهادی. (۱۳۸۹)، **جزئیاتی از جزیره «جریه»**، پایگاه استراتژیک اسرائیل در تونس، خبرگزاری زمانه:

<<http://www.zamannews.ir/view.aspx?ID=891108006>>.

- شیروودی، مرتضی. (۱۳۹۰)، **انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیر گذاری و نمونه‌ها**، پایگاه اطلاع رسانه راسخون:

<<http://www.rasekhoon.net/article/show-28627.aspx>>

- قناد باشی، جعفر و دیگران. (۱۳۸۹)، **تغییر در تونس، زمینه‌ها و پیامدها**، پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام وابسته به موسسه مطالعات اندیشه سازان نور:

<<http://www.asnoor.ir/Public/Articles/ViewArticles.aspx?Code=188702>>

http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/01/14/the_first_twitter_revolution.
- <http://www.rastak.com/article?id=7513>. - Allagui Ilhem (2011), The Arab Spring and the Role of ICTs, International Journal of Communication 5, Feature 1435-1442.
- Hancock, Bill(2001), Cyber-tracking, Cyber-terrorism; Computers and Security; Volume 20; Number 7.
- Zelwietro, J. (1998). The Politicization of Environmental Organizations through the Internet. Information Society 14(1).
- Sofaer(2002), The transnational dimension of cyber crime terrorism” (Book Review). Harvard Law Review, v. 115 no. 7.
- Denning, Dorothy(1999), Activism, Hacktivism, and Cyber-terrorism: The Internet as a Tool For Influencing Foreign Policy; Nautilus Institute.
- Yasmine Ryan(2011), -

The tragic life of a street vendor , Al Jazeera, 20 January 2011.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی